

کارکردهای راز و رمز در ادبیات کودکان (۳)

# پلیس مخفی نوجوان و طبقه اجتماعی



به‌ویژه رمان‌های نانسی درو (Drew) کسب شد، درخور توجه‌ترین فهرست از کتاب‌های بسیاری است که به سبب لذت فراوانی که به مخاطبان خود می‌دهند، ضرورت تفکیک کودک و بزرگسال، راز و رمز و قطعیت، معصومیت و تجربه را زیر سؤال می‌برند.

در آن چه در پی می‌آید، من شجره نامه‌ای از داستان پلیسی نوجوان را در ادبیات آمریکا ارایه می‌دهم و این صنعت را در سه متن ردیابی می‌کنم:

۱- تام سابر، از مارک تواین (Twain) ۲- پیشاهنگی برای دختران: راهنمای رسمی برای پیشاهنگی دختران (۱۹۲۰) ۳- کتاب‌های راز و رمزی نانسی درو که به صورت مجموعه‌ای که رمان آغازین آن «رمز

کدام چهره ادبی می‌تواند لجبازتر از کودک کارآگاه باشد؟ ژاکلین رز (jacqueline Rose)، در کتاب «قضیه پیترین، داعی این است که ادبیات نوجوانان، برای به دست دادن مفهومی از معصومیت دوران کودکی، در پی آن است که محدوده‌ها و مرزهای روانی خاص بایستی دست نخورده بمانند. مهم‌ترین این مرزها، مرز بین بزرگسالان و کودکان است. (۷۰)

با این وصف، ترکیب داستان نوجوانان و داستان پلیسی، بایستی کاملاً مختل‌کننده و حتی غیرممکن باشد. زیرا اسرار پلیسی، نمایش تکان‌دهنده‌ای از نیرنگ و خدعه، تزلزل و فروپاشی جهان بزرگسالان است که چنین فرض می‌شود که داستان کودک و نوجوان، می‌بایستی آن‌ها را از چنین چیزی دور نگه‌دارد. ترکیب و تلفیق فرم‌های ادبی با یکدیگر، در جایی که پرس و جو یا کنجکاوی نوجوانان، کارهای خلاف قانون بزرگ‌تره‌های‌شان را کشف و ثابت می‌کند، بسیار شایع و امکان‌پذیر است.

موفقیت خارق‌العاده مجموعه‌های راز و رمزی که به وسیلهٔ سندیکای نویسندگان داستان‌های اشباح، ادوارد استریت مایر (strat Meyer)،

ساعت قدیمی» نام داشت، در سال ۱۹۳۰ میلادی، به بازار آمد. این متون تضادی را که بر متون داستان پلیسی نوجوانان حاکم است، آشکار می‌سازند. چنین آثاری، همچون داستان پلیسی کلاسیک بزرگسالان، نشان می‌دهند که پیگیری اطلاعات، تا حل کامل راز و رمز، هرگز از تمنای

این است که شخصیت بالغ دومی، از پول آگاه است این توضیح شاید این جا ضروری به نظر آید که در داستان‌هایی که درباره کودک معصوم و دنیای معصوم اوست، کودک یا نوجوان، هیچ به فکر پول یا کسب پول نیست و مسایل رفاهی از جمله پول، کار کردن، خورد و خوراک برای او هیچ مشکل و مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند. این موضوع را ماریا نیکولایوا (Nikolajeva) به طور مسووط، در رمان‌های گوناگون از جمله چند رمان ادبیت نسبیّت و «باد در بیدار»، بررسی کرده است: کتاب (Time in children's literature) فصل ۲۷ کتاب ماجراهای تام سایر، با عنوان «تردید فروکش می‌کند»، کارآگاه جوان ما را آگاه می‌سازد که او شبیه همهٔ پسرهای هم سن و سال و هم رتبهٔ خود، در زندگی بود در مرتبه و جایگاهی که تصور می‌کرد اشاره به «صدها» و «هزاران» دلار، صرفاً نوعی حرف زدن از پول است و این که چنین مقادیری واقعاً وجود ندارند. اگر تصورات او درباره گنج پنهان تحلیل شود، می‌بینیم که شامل یک مشت سکهٔ ده‌سنتی و کلی دلارهای معرکهٔ به چنگ نیاوردنی بود (۱۸۸).

به عکس، شخصیت داستان تام سایر کارآگاه، درست حساب می‌کند که «جایزه جواهراتی با ارزش ده هزار دلار، دست کم هزار دلار هست» (۳۱۸) و این بیان، گویی این موضوع را تقویت می‌کند که چنین فرضیه متواضعانه‌ای، حاصل علاقه یا کشش (به راز و رمز) است: «جایزه‌ای که تام عملاً در پایان رمان دریافت می‌کند، بالغ بر دو هزار دلار می‌شود.» (۴۱۴). روایت، این موضوع را برملا می‌سازد که تام از ارتباط بین کشش و علاقهٔ خود به راز و رمز و دریافت پول به عنوان جایزه، برای آن که از وقت و استعدادش مایه گذاشته، آگاه است.

بارزترین استعداد تام - توانایی فریفتن دیگران با دروغ، آن چنان که دیگران را به سبب علایق خود بفریبد - مهارتی است که برای کارآگاهی و پلیس‌بازی لازم است. چنان که شرلوک هولمز، در داستان نشانه چهار (۱۸۹۰) می‌گوید: «انسان هرگز نباید اطلاعات را از دست بدهد: فکر کن که اطلاعات آن‌ها اهمیت ناچیزی برای شما داشته باشد. اگر (با علاقه) به سخنان‌شان گوش دهید، فوراً چون صدف بسته می‌شوند. اگر به اجبار به سخنان‌شان گوش کنید، به احتمال زیاد آن چه را که می‌خواهید، به دست می‌آورید.» (۶۳) تام درخصوص مذاکره‌شان با جک دان لپ (Dunlap) خیانتکار، تقریباً همان نصیحت را می‌کند:

«برای فهمیدن سر او، زحمت زیادی کشیدیم. اما تام گفت، بهترین روش این نیست که مضطرب به نظر بیایی. بعدش ممکن است ساکت بشود... اما اگر از او سؤال کنیم، شاید مشکوک شود و صدفش را ببندد.» (۳۶۶)

تام سایر کارآگاه، ابتدا مطرح می‌کند که این استعداد فریفتن، مانند حقه‌بازی و مکر تام، در کتاب ماجراهای تام سایر است. در ابتدای داستان «ماجراهای تام سایر» وقتی عمه پنی، به پسرها دستور می‌دهد به آرکانزاس بروند، تام تظاهر می‌کند که چنین سفری ناخوشایندترین پیشنهاد است:

«هاک فین، می‌خواهی به او بفهمانم که از رفتن، چقدر ناراحتم؟ گمان کنم بدونم چه طوری سرکارش بزارم.» (۳۵۸)

گول زدن عمه پالی، این جا، برعکس حقه‌ای روانی است که تام برای متقاعد کردن دوستان صمیمی خود، به کار می‌برد که رنگ کردن نرده، کار بی‌اندازه لذت بخشی است. در این صحنهٔ معروف. از ماجراهای تام سایر، تام از انجام دادن کار، شانه خالی می‌کند و در دادوستدی، کمی پول به دست می‌آورد؛ چنان که راوی داستان می‌گوید، او به رغم پیامد حقه خود، هم‌چنان معصوم است:

«اگر او فیلسوف بزرگی مثل نویسندهٔ این کتاب می‌بود، درک می‌کرد که کار، شامل آن چیزی است که جسم مجبور است انجام دهد و بازی، شامل

کسب ثروت و قدرت جدا نیست. درگیری نوجوان در این روندهای خطرناک، مفهوم اولیهٔ معصومیت نمود اولیهٔ آن در فرهنگ غرب و تمثال خود کودک را ملوث کرده است.

از سوی دیگر، این آثار درصد آنند که موقتاً جلوی این آلودگی را بگیرند و تضادی را که محور ژانر داستان پلیسی نوجوانان است، به این طریق حل و فصل کنند که پیگیری اطلاعات را تا حل کامل راز و رمز، با کنجکاوای طبیعی نوجوان، یکی می‌انگارند. این رویکرد، نه تنها از مفهوم معصومیت نوجوانی حمایت می‌کند، بلکه معصومیت را با کسب ثروت و دانش، همراه می‌سازد. بدین سان است که جریان‌های طبقاتی در این روایت‌ها ارایه می‌شود.

رمان مارک تواین (۱۸۹۶)، یک نمونه اولیه از روندی است که داستان پلیسی نوجوان، با حل تضادهای ژانری خود، نسخهٔ بازنویسی شده‌ای از مناسبات طبقاتی آمریکا را به نمایش می‌گذارد. این اثر ایدئولوژیکی، به نحو مؤثری به وسیلهٔ ادبیات پلیس گشت دختران، ادامه می‌یابد و در ژانر داستان پلیسی نوجوانان در دهه ۱۹۳۰، با ماجراهای نانسی درو، نوجوان پلیس مخفی، به طرز فوق‌العاده‌ای بیشترین بازتاب را کسب می‌کند.

رمان‌های نانسی درو، جدایی‌های اقتصادی ناشی از بحران سرمایه‌داری دهه ۱۹۲۰ را به صورت سردرگمی هویت طبقاتی در آمریکا ارایه می‌دهد. رمان‌های آغازین این مجموعه که در سال‌های رکود اقتصادی، محبوبیت عام و فراوانی کسب کرد، در مقام راه حل برای این راز و رمز (راز و رمز طبقاتی)، در مورد تقسیم ثروت خیال‌پردازی می‌کند؛ تقسیم دوباره‌ای که نه ناشی از تحولات ریشه‌ای نظام اقتصادی، بلکه دقیقاً به علت درهم آمیختن اجتماعی هویت طبقه متوسط و انکار آگاهانه طبقه کارگر بود که ویژگی غالب ایدئولوژیکی آمریکا، در نیمه دوم قرن بیستم به حساب می‌آید.

#### وکالت تام سایر

این کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که تام سایر، یک نوجوان زبر و زرنگ و تیزهوش، پیشاهنگ نوجوانان پلیس مخفی شود. با این حال، شخصیتی که عنوان کتاب مارک تواین را به خودش اختصاص داده است، یعنی تام سایر کارگاه، به نقل از هاک فین (۱۸۹۶)، تا حد زیادی دنیوی و حتی بزرگسالانه‌تر از کتاب ماجراهای تام سایر (۱۸۷۶) است. مقدمه ماجراهای تام سایر، می‌گوید که مقصود [از نگارش کتاب] عمدتاً سرگرمی دخترها و پسرهاست. اگرچه تواین امیدوار است که:

«بخشی از نقشه من این بوده تا بکوشم به نحو خوشایندی، بزرگسالان را به یادآوری آن چه خود زمانی بوده‌اند، احساس می‌کرده‌اند، می‌اندیشیده و سخن می‌گفته‌اند و گاه وارد کارهای جسورانهٔ عجیبی می‌شده‌اند، وادارم.» (۳۳)

از سوی دیگر، تواین در ۲۳ ژانویه ۱۸۹۵، می‌نویسد: «تام سایر کارآگاه را واقعاً برای بزرگسالان می‌نویسم؛ اگرچه این چشمداشت را دارم که تودهٔ نوجوان نیز آن را بخوانند.» (نامه‌ها ۱۲۲)

بنابراین، مقدمهٔ تواین بر رمان در سال ۱۸۷۹، عقیده ژاکلین رز را تأیید می‌کند که ادبیات نوجوان، شخصیت اصلی نوجوان را در جایگاهی عرضه می‌کند که یک موقعیت اولیه یا از دست رفته را که در دسترس کودک است، برای خوانندهٔ بزرگسال دوباره زنده کند و این کار را با چنان سهولت و صداقتی انجام می‌دهد که اطمینان می‌بخشد رابطهٔ خواننده بزرگسال با جهان، بی‌خطر و سالم است. (۹)

با وجود این، تمایل تواین به این که دو رمان او به گونه‌ای متفاوت خوانده شوند، اولی بیشتر به عنوان رمان نوجوانان و دومی بیشتر به عنوان کتاب بزرگسال، بیانگر تغییری تعیین‌کننده در شخصیت اصلی کتاب‌هاست. آن چه تام سایر ماجراجوی معصوم را از تام سایر کارآگاه متمایز می‌کند،

آن چیزی می‌شود که جسم مجبور به انجام آن نیست.» (۵۰)

در داستان «نام سایر کارآگاه» درگیری تام با دزدان جواهرات و قاتلان، بیشتر به این نتیجه‌گیری مورد نظر بزرگسالان می‌انجامد که توانایی کشف و شناسایی دیگران، می‌تواند نتایج مادی و مالی در پی داشته باشد. اگر چه به نظر می‌رسد که تکاپوی تام برای حل سرّ، مایه افتخار اوست، کسی که بیشتر از هر کس دیگری درباره آن سر می‌داند» (۳۷۸)، دخالت در آن چه اودری جیف (Jaffe)، «خیالبافی خبر و اطلاعات» توصیف می‌کند، یعنی که داستان پلیسی (۹۱) چنان که هاک مدعی است، صرفاً حاصل آرزوی کودکانه تام نیست تا «یک قهرمان باشد» (۴۱۰). انگیزه تام برای این که اطلاعات را دست‌کاری و حفظ می‌کند. دریافت جایزه مالی آن است:

«برای جواهرات، جایزه بزرگی می‌دهند؛ هزار دلار حتمی‌یه. این پول ماست! حالا تندتند می‌رویم و مردم را می‌بینیم. و فکرش را بکن هیچ چیز درباره قاتل، جواهرات یا دزدان نمی‌دانیم. این یادت نره.» (۳۱۹)

از قرار معلوم، آرزوی معصومانه برای شهرت و افتخار و تظاهر کودک که او نسبت به سرّ بزرگسالان معصوم است، این جا صرفاً پوششی برای داستان‌هاست که پشت آن، محاسبات دقیق و سنجیده‌ای، به طرز ناراحت‌کننده‌ای پنهان شده است.

استفاده تام از مغایرت آشکار بچگی و توانایی حل سرّ، به نحو تناقض‌آمیزی به او در حل سرّ کمک می‌کند. وقتی تام دفاعیه دادگاه سیلاس را به عهده می‌گیرد: «تقریباً درست مثل یک وکیل عادی.» (۴۰۳)

چنین به نظر می‌رسد که انگیزه‌های فداکارانه تام، شکل عملی معصومیت وی باشد. تام ادعا می‌کند که حل سرّ و شناسایی آدمکش واقعی، تنها، افتخاری برای ما نیست، بلکه مایه مباهات عمو سیلاس هم هست.» در عوض، قاضی می‌گوید که: «مایه افتخار خواهد بود که... «کمک کند.» جایزه پولی تام، به این علت بود که او: «عمیق‌ترین و صادقانه‌ترین

تشکرها را از طرف جامعه به دست آورد.» مع‌هذا، درست همان موقع که قانون این چنین تام را سعادتمند می‌کند، این حقیقت را که وکالت هم مثل کارآگاهی، شغل نامناسبی برای بچه است، در هیچ یک از اظهارات مذکور، به اندازه اشتباهات لُپی با مزه و خنده‌دار هاکلبری فین، ظریفانه بیان نشده است: اشاره هاک به رقیب تام، به عنوان «وکالت برای خودفروشی.»

رمان تواین، اضطراب و تشویش ناشی از درگیر شدن نوجوان را با اسرار بزرگسالان بیان می‌کند و درصدد تسکین این تشویش، از طریق مطرح کردن کشف و شناسایی، در مقام کنجکاو طبیعی دوران کودکی و نوجوانی است. چنان که تام موقرانه به قاضی می‌گوید، حل این مورد، صرفاً جزء کوچکی از کار پلیسی هر روزه او بوده و هرکسی می‌توانسته آن را انجام دهد. در اوایل رمان، هاک پلیس بازی را کیفیت ذاتی تام معرفی می‌کند:

«تام همیشه کشته مرده چیزهای مرموز بوده. اگر یک چیز مرموز و یک تکه کیک، جلوی من و او بگذارد، نمی‌توانید بگویید که یکی را انتخاب کنید. این انتخاب خود به خود انجام می‌شود؛ چون من طبیعتاً همیشه به طرف کیک کشیده می‌شوم و طبیعت تام، او را به طرف چیز مرموز می‌کشاند! مردم

با هم فرق دارند.»

هاک، کشش تام به سوی چیزهای مرموز را با کشش کاملاً کودکانه خود به سوی چیزهای شیرین، در مقابل هم قرار می‌دهد. او ادعا می‌کند که هر کدام از این تمایلات، وابسته به طبیعت ذاتی فردی کودک است و به طور ضمنی می‌گوید که این کیفیت‌ها، هم‌چون تقدیر خدایی، انتقادناپذیرند. به علاوه، علی‌رغم گفته‌های بسیار هاک درباره هوش و ذکاوت غیرقابل توضیح دوستش - تا به حال لکه‌ای مثل لکه‌ای که او دارد، ندیدم - رمان اغلب پیوند تام را به چیزهای اسرارآمیز، نه به عنوان یکی از راز و رمزهای عقلانی بزرگسالان، بلکه به عنوان تسلیم فعالیت‌های جسمانی کودکانه شدن، قلمداد می‌کند. از این رو، تام زیاد نمی‌خواهد و «در هیجان رسیدن به آن جا و پی بردن به سرّ، بدنش کاملاً خیس عرق شده بود.» (۳۶۳) زمان خواب، گفت‌وگوی تام کارآگاه و راوی (هاک) به راه حل معمایی غامض نمی‌انجامد، بلکه بیشتر احساسات نوجوانان را آشکار می‌سازد:

«ما درباره قتل و روح بارها و بارها حرف زدیم و آن جا، آن قدر مور و مگس بود که نتوانستیم اصلاً و ابداً بخوابیم، اما بالاخره از پا افتادیم و به خواب رفتیم و خواب‌های ترسناک دیدیم.» (۳۸۴)

در واقع، هم رمان [هاکلبری فین] و هم روایت کارآگاه، با بیان آرزوی عادی پسر بچه‌ها برای گشت‌وگذار به کشورهای عجیب دور دست که همه چیز اسرارآمیز و شگفت‌انگیز و رمانتیک است، آغاز می‌شوند. بدین طریق، هاک تب پلیسی را از عمل بزرگسالان جدا می‌سازد و آن را به عنوان اشتیاق طبیعی کودکانه، ترسیم می‌کند.

این طبیعی نشان دادن کنجکاو و جست‌وجوی نوجوانان در اسرار بزرگسالان، نسبت به پول و انگیزه‌های ایدئولوژیکی نهفته در این بازنمایی، در هیچ جا، به اندازه کتاب تواین، با استفاده از روایت هاک آشکار نیست.

خلاف کتاب ماجراهای تام سایر که راوی بزرگسال دارد، تام سایر کارآگاه، فقط از طریق گفته‌های هاکلبری فین، به ما معرفی می‌شود و طنزپرداز و از این رهگذر، هر دو درصدد آنند تا حضور تواین را در مقام نویسنده، گنگ و مبهم جلوه‌دهند. هم‌چنین از ما می‌خواهند تا به مشاهدات هاک اعتماد کنیم که باتوجه به جایزه مالی حاصل از کسب اطلاعات مخفی، همیشه معصوم‌تر از تام به نظر می‌رسد.

به علاوه، از آن جا که هاک داستان را به زبان محلی تعریف می‌کند، ظاهراً متن، مدرک سادگی و بازیبنی نشده جوانی است (منظور بازیبنی تواین برای بازیبنی آنست) پس از این که جواهرات ناپدید می‌شود، این حقیقت که «تام اصلاً احساس نمی‌کند که راز قتل را از دست داده است»، اگر چه حس می‌کند خیلی اذیت شده، به دردرس افتاده، ناامید شده و کلاه‌برداری کرده (۳۸۶)، حاکی از آن است که انگیزه او، بیشتر تمنای پول بوده تا علاقه طبیعی وی به راز و رمز. در واقع، تام چنان پریشان و ناراحت است که نمی‌تواند کار را به سگ پلیس واگذارد؛ سگی که او و هاک برای بیرون آوردن جسدها، از آن‌ها استفاده می‌کنند (۳۹۸).

بیان مکرر «کار را وا گذاشتن» در آن تکه‌های داستان، بیانگر آن است که

بصری را از طریق هدفمند کردن عادات مطالعاتی‌اش، به دست آورد. فهرستی از کتاب‌های سفارش شده در آخر هر فصل کتاب، اکثراً با داستان پلیسی بزرگسالان، به ویژه آثار کانن دوئل، خالق شرلوک هولمز که وارد حوزه آثار معتبر نوجوان شده، پایان می‌پذیرد. در واقع، پاول، کشش نوجوان را به سوی راز و رمز، با کسب مهارت‌های تجویزی خود ادبیات، معادل قرار می‌دهد:

«تحصیل دقیقاً مانند خواندن یک کتاب است» (۱۴۲). به علاوه، هم در روند خواندن ادبیات پیشاهنگی و هم حل کردن راز و رمزها در کتاب راهنما طبقه اجتماعی یک جزء اساسی و مهم است هر چند پاول می‌گوید:

### رمان‌های نانسی درو،

## جدایی‌های اقتصادی ناشی از بحران سرمایه‌داری دهه ۱۹۲۰ را

### به صورت سردرگمی هویت طبقاتی در آمریکا

### ارایه می‌دهد



«پیشاهنگی برای همه گروه‌های طبقاتی جذاب است»، توجه به دستورالعمل‌های چگونگی حل معما، در حقیقت معنای اختلاف طبقاتی ذاتی را تقویت می‌کند. پاول به پیشاهنگان می‌گوید که: «آن‌ها هنگام مشاهده مردم، بایستی بکوشند از روی ظاهر و رفتار آن‌ها، تشخیص دهند که آیا آن‌ها فقیرند یا ثروتمند.» (۱۲۷)

کتاب پیشاهنگی برای پسران، توصیه می‌کند که مسئولان گروه‌های پیشاهنگی، از بازی‌ای به نام «شخصیت را بگو» استفاده کنند: «پیشاهنگان را برای حدود نیم تا یک ساعت، برای جست‌وجوی یک مثلاً شخصیت بی‌شعور یا اشراف منش فقیر، بفرستید.» (۱۲۷)

اهمیت پیشاهنگی در آمریکای سال‌های ۱۳ - ۱۹۱۲، متضمن همین فرضیه است که حل معما و راز و رمزها، یک فعالیت طبیعی برای خوانندگان نوجوان است. چنان‌که لورین تدسکو (Tedesco) می‌نویسد «کتاب‌های اولیه پیشاهنگی برای دختران در آمریکا، بسیاری از چیزها را از پیشاهنگی برای پسران گرفته است.» (۸-۲۷)

کتاب پیشاهنگی برای دختران، دستورالعمل‌های زیر را در خصوص

کار پلیسی، ناشی از کنجکاوی صرفاً معصومانه و کودکانه است، اما کلمه «علاقه» (= کشش)، همیشه این احتمال را به ذهن می‌آورد که با جناس (جناس ادبی)، می‌خواهد پیوند بین کنجکاوی و فرضیه اقتصادی را نشان دهد؛ چیزی که رمان به سختی می‌کوشد آن را پنهان نگه‌دارد [توضیح این که interest در زبان انگلیسی، هم به معنای علاقه و کشش است و هم به معنای سود، نفع و بهره. م.]. تواین تقریباً بدون استثنا، کلمه را مانند «واگذاردن» در گویش محلی به کار می‌برد و شواهد متنی، حاکی از آن است که تواین با موشکافی و دقت تمام، نگارش غلط حروف‌چین خود را از کلمه واگذاردن = intrust، به interest = علاقه یا نفع و سود تصحیح می‌کند.

تواین در بازبینی کتاب، صفحه آغازین کتاب را که در آن هاک، ارتباط بین کنجکاوی کودک و نوجوان و کنجکاوی دیگران و نیز معنای اقتصادی «واگذاردن» را شرح می‌دهد، حذف می‌کند:

«کیف پر از طلامون را از جایی که دزدها قایمش کرده بودند، بغل کردیم و بوسیدیم. کیف به قاضی تاجر به امانت سپرده شد و اگر بخوایم منصف باشیم، شش صد دلار مال هریک از ما بود.»

چنان‌که پس از این، باتوجه به ادبیات «پیشاهنگی دختران» و آثار راز و رمزی نانسی درو، خواهیم دید، داستان راز و رمزی نوجوانان، گرایش دارد تا به خوانندگان خود - چه جماعت بزرگسال، چه جماعت نوجوان - نوعی برداشت ایدئولوژیکی مشخص بدهد که: نه تنها به تام سایر، بلکه به بی‌پیرایگی، خلوص و معصومیت کودک برای واگذاردن (= سپردن) راز و رمز به او اعتماد کنیم و علاوه بر این، این بی‌عدالتی نهفته در ذخیره سود سرمایه داری، توسط والدین پذیرفته نشود.

### پیشاهنگی برای دختران<sup>۱</sup>

شاید بتوان گفت که پذیرش یا بومی کردن کشش کودک، برای پی بردن به راز و رمز، مانند آن‌چه در یک فضولی معصومانه و کودکانه به چشم می‌خورد و از فضولی بزرگسالانه متفاوت است، به نحو مؤثری از طریق ادبیات پیشاهنگی انتشار یافت. «پیشاهنگی برای پسران»، اثر رابرت بادن پاول (powell)، (۱۹۰۸)، کتاب پرروشی که موجب به وجود آمدن سازمان پیشاهنگی انگلستان شد، ادعا می‌کند که حل یک معما یا راز و رمز، بخشی از فعالیت روزانه نوجوانی است:

«احتمالاً روزی برای شما نیز پیش می‌آید که جسد مردی را بیابید. در این صورت، به یاد داشته باشید که این وظیفه شماس است که کوچک‌ترین علائم را در کنار جسد و روی آن، قبل از جابه‌جایی جسد، بررسی کنید و موردتوجه قرار دهید.» (۱۲۳)

علاوه بر آن، راهنما پیشنهاد می‌کند که اگر پسر انگلیسی، در ناحیه‌ای زندگی می‌کند که بعید می‌نماید جسدی آن‌جا پیدا شود، این‌گونه مهارت‌های

چگونگی مشاهده، ارایه می‌دهد:

«از چشمان خود استفاده کنید. اجازه ندهید چیزی در نظرتان ناچیز بیاید: یک دکمه، یک چوب کبریت، یک تارم، یک ته سیگار، یک پر، یا یک برگ، شاید اهمیت زیادی داشته باشند. حتی یک اثر انگشت که برای چشم غیرمسلح تقریباً نادیدنی است، اغلب وسیله بررسی یک جنایت است. با کمی تمرین در مشاهده کردن، می‌توانید نسبتاً دقیق، از روی لباس یک فرد، شخصیت او را حدس بزنید.» (۴۲)

شرلی - ای - اینس (Inness) ادعا می‌کند که ادبیات پیشاهنگی دختران به طور فعال، درگیر متقاعد کردن زنان به این موضوع بود که خانه‌داری برای خوشبختی زنان ضروری است (۳۳۱). هر چند آوردن «اثر انگشت» و جنایت در کتاب، حاکی از آن است که دنیای دختران پیشاهنگ کم‌تر از هم ردیف‌های مذکرشان، اسرارآمیز نیست. به علاوه، هر چند چیزهایی که در این صفحه فهرست شده (دکمه، چوب کبریت،...) شاید حاکی از آن باشد که «استفاده از چشمان‌تان» می‌تواند در «نظم و تربیت امور منزل مؤثر باشد.

جزئیات مزبور (به‌ویژه ته مانده سیگار) اغلب در راه‌حل‌های امثال شرلوک هولمز ترسیم می‌شود. اگر ادبیات پیشاهنگی دختران، عموماً بر مفهوم تجویزی فمینیستی تأکید دارد، طرز برخورد با کشف و شناسایی، به عنوان جزء مکمل فعالیت‌های حتی خانه‌دارترین دختران - با این فرض که فرهنگ غربی به لحاظ تاریخی، برای معصومیت زنان حتی بیش از مردان ارزش قایل بوده - تأییدی نیرومند بر پذیرش کشف کودک به راز و رمز است.

در واقع، پیشاهنگی برای دختران مانند پیشاهنگی برای پسران، فهرستی از خواندنی‌های مورد لزوم ارایه می‌دهد که در آن‌ها، داستان‌های جنایی، درصداً قرار دارند. این کتاب هم‌چنین، تأکید می‌کند که

مهارت‌های بصری که برای کشف و شناسایی ضروری‌اند، کاملاً با «با سواد شدن» برابر و یکسان هستند. دلیل اصلی جست‌وجو برای علائم و نشانه‌ها، این است که از این علائم و نشانه‌ها، می‌توان به معنایی دست یافت. چنین چیزی دقیقاً مثل خواندن یک کتاب است.

در حقیقت، تفاوت‌های چشمگیری بین پیشاهنگی برای پسران و پیشاهنگی برای دختران به چشم نمی‌خورد و بازبینی‌های ضروری برای مطابق ساختن پیشاهنگی دختران با مفاهیم تجویزی فمینیستی، بیشتر به ضروریاتی برمی‌گردد که موجب شود سازمان پیشاهنگی در پی این باشد که نشان دهد اختلاف طبقاتی، به هیچ وجه سد راه رشد کیفیت زندگی اجتماعی آمریکاییان نمی‌شود. کتاب راهنمای پیشاهنگی، به وضوح دختران پیشاهنگ را به عنوان مدل دمکراسی آمریکایی ارایه می‌دهد.

«سیستم پلیس گشت که از طریق آن، هشت دختر هم سن و سال و با علایق (منافع) مشترک، رئیس پلیس گشت خود را انتخاب می‌کنند و در هر جلسه، خودمختاری محلی را تمرین کرده، ایده‌آل‌های یک آمریکایی را با جزئیات ملموس، به مرحله عمل درمی‌آورند.» (۴)

بدین طریق، سیستم پلیس گشت، بیانگر نوعی دمکراسی گسترده است

که براساس منافع و کشش‌های مشترک و متقابل شکل گرفته تا منافع رقابتی و این به معنای تام کلمه، آمریکایی است. اشتراک منافع مفروضی که تمام آمریکاییان در آن سهیم‌اند، حتی اختلاف سنی را زیر پا می‌گذارد و دختر بچه را معادل بزرگسال می‌گیرد:

«از جوان‌ترین پیشاهنگ گرفته تا مدیر ملی سازمان، یک سازمان دمکراتیک مستقل و انعطاف‌پذیر است و خود را هر جا و همیشه با شرایط محیطی و عادات و ترجیحات گروه‌های مختلف، وفق می‌دهد.» (۱۰)

اگر چه راهنمای پیشاهنگی، این جا، به طور خلاصه، وجود گروه‌های مختلف را اعلام می‌کند. این گروه‌ها نه به سبب منافع طبقاتی رقابت طلبانه، بلکه به دلیل تفاوت‌های منطقه‌ای در عادات و ترجیحات، از هم متمایز می‌شوند (چیزی که در ادبیات سیاسی آمریکایی رایج است): «سازمان این چنین در جست‌وجوی سازمان‌های عظیمی چون سازمان پیشاهنگی دختران است تا موانع تنگ‌نظرانه طبقاتی را از میان بردارد و جنسیت ما را عامل نیرومندی برای دمکراسی در روزهای آینده سازد.»

حمایت و ترویج این خیال واهی که دمکراسی آمریکایی، به واقع می‌تواند حاصل جامعه‌ای بدون اختلاف طبقاتی باشد، البته برای بنیاد نهادن ملتی، به عنوان قدرت جهانی سرنوشت‌ساز است.

اولین برداشت از راهنمای پیشاهنگی دختران به نام «چگونه دختران می‌توانند به کشور خویش کمک کنند» (۱۹۱۳)، به وضوح به این هدف اشاره می‌کند:

«در هر آن‌چه به آن بیندیشید، کشور شما اول است. ما همه هیزم‌های یک دسته هیزم هستیم و هر دختر کوچکی، بخشی از این ملت یکپارچه بزرگ ما را تشکیل می‌دهد.» (۱۷)

اگر حق با اینس (Inness) باشد که ادبیات پیشاهنگی دختران، به زنده نگه‌داشتن این عقیده کمک کرده که دختر آمریکایی

راستین، دختر بورژوازی است، این ادبیات، این کار را از طریق مطرح کردن هویت طبقه متوسط، به عنوان یک الگوی اجتماعی (نه یک جایگاه اقتصادی) تأثیرگذار انجام داده و در نتیجه، به عنوان هویتی که تمام آمریکاییان سخت کوش و وطن‌دوست، از آن برخوردارند. کتاب پیشاهنگی برای دختران آمریکایی، رابطه بین کشف و شناسایی طبقه اجتماعی را به گونه‌ای کاملاً متفاوت از کتاب پیشاهنگی برای پسران انگلیسی مطرح می‌کند. پاول ادعا می‌کند که مشاهده، تا حد زیادی شامل خواندن علائم ظاهری هویت ذاتی طبقه اجتماعی است: چرا که این ظاهر و رفتار، نمای پایگاه اقتصادی شخص و شخصیت درونی اوست، چه اشراف منش باشد، چه بی‌شعور و پست (۱۲۷). به عکس معادل چنین صفحه‌ای، در کتاب پیشاهنگی برای دختران، چنین است:

شما از روی لباس یک مرد می‌توانید دقیقاً به شخصیت او پی ببرید. (۴۲)

نمونه‌هایی که در زیر می‌آید نه تنها وجود فقر را در امریکا نشان نمی‌دهد، بلکه هویت (طبقه اجتماعی) یک شخص را مشخص نمی‌کند: «برای تشخیص این که یک جنتمن شیفته ماهیگیری است یا نه، نباید

## رمان تواین، اضطراب و تشویش ناشی از درگیر شدن نوجوان را با اسرار بزرگسالان بیان می‌کند و درصدد تسکین این تشویش، از طریق مطرح کردن کشف و شناسایی، در مقام کنجاوی طبیعی دوران کودکی و نوجوانی است

### معامله جدید نانسی درو

«پول داشتن خیلی به درد می خورد.» (پیشاهنگی برای دختران، ص ۱۰) در مجموعه داستان پلیسی تاب نوجوانان، نانسی درو، پیشاهنگی دختران را به اوج رساند و درست به موقع، در آغاز رکود بزرگ اقتصادی، از راه رسیدن تا به کسانی که ناگهان و به صورتی غیرمنتظره، خود را در میان خیل بیچارگان و مفولکان یافته بودند، کمک کند.

در رمان آغازین این مجموعه، به نام «راز ساعت قدیمی» (۱۹۳۰)، نانسی وصیت نامه مفقود شده‌ای را کشف می کند که همسایگان متکبر تازه به دوران رسیده خانواده توپامز (Tophams) را از ارث محروم می سازد و اقوام فقیر، اما لایق شخص متوفی را ثروتمند.

نانسی با افشا و علنی کردن شخصیت واقعی شیادان، رسوا کردن سازندگان سکه های تقلبی و بازگرداندن کالای دزدیده شده، بی عدالتی های اقتصادی را سرو سامان می دهد. با در نظر گرفتن طرح های اولیه در مجموعه داستان ها، ویژگی برجسته آن ها از دست دادن پول است. شاید به نظر عجیب بیاید که نانسی با خاطری آسوده، نابودی دنیای دوروبرش را نادیده می گیرد. دوره رکود اقتصادی در نواحی شمال مرکزی آمریکا، در حاشیه رودخانه Height، بی آن که توجه کسی را جلب کند، گذشت.

کتاب های نانسی درو، قشر مرفه طبقه متوسط را در سرزمینی رویایی می ستاید و به طرز مؤثری، اوضاع و شرایط اقتصادی معاصر و ساز و کار آن را مخفی می کند. چنان که دبور. ال. سیگل (Siegel) خاطر نشان می کند: «از آن جا که قهرمان داستان ها، ستم دیدگان را به مایملکی که به حق در شأن ایشان بود، می رساند، در یک دوره تاریخی که سامان مالی و اقتصادی از ریشه و به طرز غیرقابل توصیف آشفته بود، آشکار می کند که چرا نانسی درو، چنین چهره محبوبی شد.»

### این حقیقت که

«تام اصلاً احساس نمی کند که

راز قتل را از دست داده است»،

اگر چه حس می کند

خیلی اذیت شده،

به دردرس افتاده،

ناامید شده و

کلاه برداری کرده (۳۸۶)،

حاکمی از آن است که انگیزه او،

بیشتر تمنای پول بوده

تا علاقه طبیعی وی

به راز و رمز

به چیزهای بی ارزشی چون پارگی ریسمان ماهیگیری یا دو تکه شدن پارچه ای که به سر می بندند، توجه کرد - بلکه یک ماهیگیر وقتی مگس ها را از نوک ریسمان ماهیگیری می گیرد. آن را توی شبکلاه اش می چپاند تا خشک شوند.» (۴۲)

باید توجه داشت که شبکلاه Gap عموماً نشانی طبقه کارگر است که در تقابل با (hat) کلاه نخوت آمیز اشراف قرار می گیرد. با این اوصاف ماهیگیر شبکلاه به سر یک جنتمن است!

پاول نیز در جایی دیگر، به همان ترتیب، یکی از قوانین پیشاهنگی را چنین توضیح می دهد:

«یک پیشاهنگ فقط در صورتی وفادار و صدیق است که همیشه سراغ کارگران، چه چاق (پولداری!) و چه لاغر (فقیر) برود.» (۴۸)

پیشاهنگی برای دختران قانون مشابهی را به این معنا تعبیر می کند:

«پیشاهنگ دختر، نسبت به کسانی که برایشان کار می کنند یا کسانی که او برایشان کار می کند، صادق است.» (۶)

وقتی پیشاهنگی برای دختران، به اختلاف طبقاتی اشاره می کند، به طرز چشمگیری از آن ها به عنوان موانع تنگ نظرانه ای یاد می کند که باید شکسته شوند:

«منظور از آداب دانی، اول از همه بی توجهی نکردن به دیگران است.

هیچ چیز به اندازه بی اعتنایی، بی ادبی شما را فوری آشکار نمی کند. اگر به کسانی که در هتل ها، خانه، فروشگاه ها، یا در مسافرت یا هر جای دیگر به ما خدمت می کنند، بی اعتنا باشید، بی تردید فردی بی ادب شمرده خواهید شد. وقتی در مقام خدمتکار عمل می کنید، در سمت چپ کسی که خدمتش می کنید، بایستید تا بتوانید غذا را با دست راست بگیرید.» (۱۳۱)

در آغاز این بند، یک پیشاهنگ از طبقه متوسط فرض می شود. جمله های بعدی که به وظایف خانگی معمولی یک پیشاهنگ

می پردازد، حاکی از آن است که پیشاهنگ مفروض، به وضعیت طبقاتی دیگری متعلق است. اگر چه از فعل «عمل کردن»، چنین برمی آید که پیشاهنگ طبقه متوسط، از تجربه واقعی طبقه دستمزدبگیر به دور است، پیشاهنگی برای دختران، هشدار متضادی ارائه می کند:

«پیشاهنگ دختر نیز نسبت به فقرا و مسکینان، مسئولیت خاصی دارد؛ چرا که خود شما شاید روزی از جمله آن ها به حساب آید.»

درست همان موقع که پیشاهنگی برای دختران، مانند «تام سایر کارگاه»، کشش و علاقه ای را که کودک صرف چیزهای اسرارآمیز می کند، می پذیرد، راهنمای پیشاهنگی، هر چند تلویحاً به جریان های اقتصادی عام جامعه اقرار می کند که متضمن هشدار درباره جابه جایی و سقوط اقتصادی فرد است.

این ها همان جریان هایی است که محور کتاب های راز و رمزی «نانسی درو» را شکل می دهد.

در ضمن، واهی بودن جریان مساوات طلبانه آمریکایی را که این کتاب ها از آن حمایت می کنند، برملا می سازد.

(۱۶۰). موفقیت تحلیل سیگل، به علت تمرکز بر جنسیت است تا نظام طبقاتی. اگر چه استدلال او مبنی بر این که نانسی درو در دهه ۱۹۳۰، توانست دو گفتمان مخالف هم را در مورد زن ها، به شکلی سرگرم کننده کم رنگ سازد، قابل قبول به نظر می رسد، هم چنان نقش پلیس مخفی در مناسبات طبقاتی دوره رکود اقتصادی، که در داستان آمده به صورت یک راز مانده است. با وجود این، رمان های نانسی درو، معضل بندی گسترده ای از روندی ارائه می دهد که در اثر تواین و «پلیس گشت دختران» نشان داده شده که به موجب آن، علاقه پلیسی نوجوان به حل راز و رمز، تفاوت های طبقاتی آمریکا را حل و فصل می کند. نانسی درو، دیدگاه عامه مردم را درباره طبقه اجتماعی و اقتصادی تجسم می بخشد که بیانگر عکس العمل آن ها به رکود اقتصادی بزرگ، هم در سطح فرهنگ عمومی و هم در سطح سیاست دولتی است. رمان اولیه او در این مجموعه، سرمایه داری عنان گسسته را به عنوان مسبب توزیع نامتساوی ثروت ملی، محکوم می کند. اگر چه راه حل انتخابی نانسی درو برای این شرایط، توزیع گزینشی ثروت است، این مهندسی اقتصادی، حریف نظام سرمایه داری نیست، بلکه بیشتر درصدد آن است تا

تقسیمات طبقاتی را که در ذات این نظام وجود دارد، تعدیل کند. او این کار را از طریق خیالی‌بافی درباره نوعی فرهنگ سرمایه‌داری انجام می‌دهد که در آن، تمام شهروندان اگر نه به لحاظ اقتصادی، به لحاظ شأن و مرتبه، در یک طبقه متوسط اجتماعی قرار دارند.

محافظه‌کاری آشکار ناسی درو در رمان‌هایش (یا رادیکالیسم سیاست‌های «معامله جدید» روزولت)، نباید ما را به این نتیجه برساند که نویسندگان مجموعه ناسی درو، دشمن سیاست‌های رفاهی «معامله جدید» هستند (معامله جدید نام سیاست اقتصادی روزولت در دوره رکود اقتصادی بوده).

راز و رمزهای ناسی درو، نمونه‌های خاص و تأثیرگذاری از گفتمان عامه مردم است که به توهم یک امریکای قدرتمند دامن زد. نوعی جامعه آرمانی که در آن، سرمایه‌داری سدهای طبقاتی را از بین می‌برد و این چنین، به جای سرکوب طبقات، کیفیت‌شان را متحول می‌سازد. روزولت (Roosevelt)، چنین توهمی را با پروژه «معامله جدید» خود رواج داد و راز و رمز ناسی درو، با استدلال او - که نشر یک مساعی عملی، راه حل بسیاری از مشکلات ماست، مشکلاتی که ناشی از حرص و خودخواهی است (روزولت) - هماهنگی دارد. این حقیقت که در رمان‌های ناسی درو، پروژه «معامله جدید»، به عنوان راه‌حلی عقلانی و منطقی برای پذیرفتن اسرار یا راز و رمز اقتصادی، ارایه شده، بسیار قوی‌تر از سخن پیش پا افتاده روزولت است که: «سرمایه‌داری امریکایی، اصول برابری طلبانه را ارتقا می‌دهد.» تقابل ظاهراً سرسختانه دو دیدگاه «لیبرال» و «محافظه‌کار» درباره فرهنگ امریکایی، شیوه‌ای را که هر دو در آن زمینه با یکدیگر تشریح مساعی دارند، گنگ و نامفهوم می‌سازد. این چیزی است که روزولت با قاطعیتی عجیب و غیرعادی، در سخنرانی ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۹، خطاب به مجمع ایالتی

دمکرات‌ها در سیراکوس (Syracus) بیان می‌کند: «محافظه‌کار راستین در صدد آن است تا از نظام مالکیت خصوصی و تجارت آزاد، از طریق اصلاح بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌هایی که ناشی از آن است، حمایت کند... لیبرالیسم، حافظ محافظه‌کاری آینده‌نگری می‌گردد.» (۳۸۹: ۵)

ناسی درو کار «پلیس مخفی» با دختر یک وکیل پولدار آغاز می‌کند، کسی که نظریه سرمایه‌داری عنان گسیخته و توزیع نامتساوی ثروت را محکوم می‌کند. داستان «راز ساعت قدیمی» با این بیان تعجب‌آمیز ناسی شروع می‌شود که: «شرم‌آور که تمام پول‌ها به خانه تاپ‌هام برود! آن‌ها دیگه خیلی غرور و ورشون می‌داره! ناسی به این دلیل یک پلیس مخفی می‌شود؛ چون خانواده تاپ‌هام، بسیار ثروتمندتر از اقوام لایق آقای کرول متوفی می‌شوند که اکنون در وضع فلاکت‌باری زندگی می‌کنند.»

اشتیاق برای حل راز و رمز، با اشتیاق برای اصلاح نابرابری‌های اقتصادی، کاملاً درآمیخته است.

هنگامی که راوی دانای کل تأکید دارد که «پلیس مخفی وقتی از دلیل

ارزشمندی دفاع می‌کند، از جنگ اعصاب لذت می‌برد» ناسی پیش خود فکر می‌کند:

«راز و رمز همیشه مورد علاقه من است. به گمانم کسی باید به آن اقوام فقیر کمک کند.»

خصومت ناسی با خانواده تاپ‌هام، تماماً برای این است که ریچارد تاپ‌هام «یک ناخن خشک است که از شرط‌بندی روی بورس سهام، پول درمی‌آورد.»

اگر چه کلماتی که ناسی با آن‌ها، تاپ‌هام را محکوم می‌کند، «ناخن خشک و شرط‌بندی»، ظاهراً در تقابل با هم هستند، این دو کلمه، نهایت کاری است که او در تقبیح سرمایه‌داری عنان گسیخته دهه ۱۹۲۰ انجام می‌دهد. این واکنشی است در برابر ناکامی طرح‌های کمکی برای رویارویی با بحران اقتصادی.

برای همین است که روزولت، در گفت‌وگویی خانوادگی در ۲۸ ماه مه ۱۹۳۴، با تأسف می‌گوید که دهه ۱۹۲۰، یک دهه مصیبت بار بود که مشخصه آن شکار ثروت‌های بادآورده و رهبران از این امر اکراه داشتند که باید در هر قدمی که برمی‌دارند، ابتدا به پیامدهای احتمالی برنامه‌ها و فرضیه‌های‌شان بیندیشند. درست همان‌گونه که عبارت «شرط بندی روی بورس سهام»، چکیده دیدگاه عامه مردم درباره این برنامه بی‌هدف و نسنجیده است که به «سه‌شنبه و چهارشنبه سیاه» انجامید. اظهار نظر ناسی، یعنی «ناخن خشک»، بدیل نادرست استدلال برجسته‌ترین اقتصاددان دهه ۱۹۳۰، جان می‌نارد کینس (Maynard Keynes) است.

«کینس» در «تئوری عمومی استخدام، سرمایه و پول» (۱۹۳۹)، خاطرنشان می‌کند که پیش شرط رشد اقتصادی در نظام سرمایه‌داری از میان برداشتن نابرابری‌های فاحش ثروت و درآمد است. درست برعکس آن چه همه می‌پندارند که باید جلوی رشد ثروت را گرفت که این امر، به احتمال زیاد مانع رشد اقتصادی می‌شود.

داستان «راز ساعت قدیمی» که در آوریل ۱۹۳۰ چاپ شد - درست شش ماه پس از ضایعه ملی اکتبر ۱۹۲۹ - نه تنها تجلیل از «احسان پدران بنگاه‌ها، نهادها و قانون‌های موجود طبقات مرفه» نبود، بلکه دیدگاه سرمایه‌داری عنان گسیخته را به عنوان منبع تقلب و نابرابری‌ها رسوا می‌کرد و اصلاً پلیس مخفی، برای اصلاح آن می‌کوشید. به علاوه، این انتقاد متوجه نهادهایی که از تجارت آزاد حمایت می‌کردند، یعنی قانون نیز می‌شد؛ به طوری که حتی گفته کارسون درو، وکیل دادگستری که شاهد ثروت اندوزی تاپ‌هام و محروم شدن اقوام فقیر کرولی است، این را تأیید می‌کند. او می‌گوید: «حق نیست، اما قانونی است.»

بنابراین، شاید به دشواری بتوان برای ادعای سالی. ای. پاری (Parry)، اعتباری قایل شد که می‌گوید:

«این که او (درو) مفهوم نیکی و ثروت را هم‌تراز قرار می‌دهد، هم‌چون اعتقاد، پیوریتین‌ها (Puritans) است که معتقدند کسانی که در زندگی مادی موفق اند ذاتاً مردم بهتری هستند.» (۱۵۳)

## شرلی. ای. اینس (Inness)

### ادعای می‌کند که

### ادبیات پیشاهنگی دختران

### به طور فعال،

### درگیر متقاعد کردن زنان

### به این موضوع بود که

### خانه‌داری برای خوشبختی زنان

### ضروری است (۲۳۱).

### هر چند آوردن «اثر انگشت»

### و جنایت در کتاب،

### حاکمی از آن است که

### دنیای دختران پیشاهنگ،

### کم‌تر از

### هم‌ردیف‌های مذکرشان،

### اسرارآمیز نیست

هر چند پاری در این نظر محقق است که راه حل مواردی که «درو» ارایه می‌دهد، نوعاً متضمن بازگشت «ثروت به اشخاص درست» است؛ کسانی که معمولاً از خانواده‌ای مشخص و خوب هستند، این داستان‌ها، با تمام اشاراتی که به ارتباطات ایدئولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی و... دارند، فقط در جهت بازگرداندن شأن و منزلت اجتماعی، نیست، بلکه داستان «راز ساعت قدیمی» آشکارا در برابر ایدئولوژی سرمایه‌داری حاکم می‌ایستد که نابرابری و بی‌عدالتی طبقاتی یک امر طبیعی است و در عوض یک ایدئولوژی دیرپا را در فرهنگ آمریکایی، تأیید می‌کند که «شأن طبیعی کارها در بین طبقه کارگر مساوی است و بنابراین آن‌ها شایسته‌اند.»

در داستان «راز ساعت قدیمی»، تحقیق روی جنایت ناشی از حرص سرمایه‌داری، بسیار برجسته‌تر از صرف انتقال مقام و منزلت به اقوام کرولی متوفی است. خانواده‌ی تاپ‌هام، البته به شیوه‌ای که خاص دهه ۱۹۳۰ بوده، مکافات عمل خود را می‌بیند: «او (تاپ‌هام) دائماً در بازار بورس می‌بازد.» (۲۰۶)

«او با از دست دادن ارثیه‌ای که بدان وابسته بود، به مضیقه می‌افتد» و در آستانه ورشکستگی قرار می‌گیرد. (۲۰۵)

با این وضع، اقوام فقیر «کرولی» به تعریض، از موقعیتی که بورس‌ها، اوراق قرضه و اسکناس‌ها مسبب به وجود آمدن آن بوده‌اند، سود می‌برند که این سود، به چیزی افزون بر صد هزار دلار می‌رسد.

راز و رمز نانسی درو، شریکان الگویی ایدئولوژیکی هستند که به موجب آن مفهوم طبقه در فرهنگ آمریکایی از بین می‌رود؛ چنان که کارگران و زحمتکشان، به عنوان طبقه متوسط و طبقه متوسط، به عنوان «سخت‌کوش» معرفی می‌شوند.

نانسی درو، نوعی مهندس اقتصادی ارایه می‌دهد که دست پنهان اقتصاد کلاسیک را رو می‌کند و امتناع او از واگذاری راز و سر به حال خود، نوعی مقابله با دیدگاه اقتصادی مدافع تغییر خود به خود اوضاع (این نیز بگذرد) محسوب می‌شود: «چیزی در یک سر بود که علاقه نانسی را به خود جلب می‌کرد و او تا آن را حل نمی‌کرد، هرگز راضی نمی‌شد.» (۷)

از این روی، رمان‌های راز و رمزی نانسی درو، به طرز مؤثری آن‌چه را میشل خازین (Kazin)، «زبان توده‌گرایی» می‌نامد، اشاعه می‌دهد.

کسانی که سخنگویان آن‌ها، مردم معمولی را نجیب‌زادگانی تصور می‌کنند که فقط به وسیله طبقه خود به سختی به هم بسته نشده‌اند و نجیبان جامعه را به عنوان افرادی که به خود سرویس می‌دهند و غیردموکراتیک هستند، دشمن تلقی می‌کنند و درصدد جابه‌جایی مردم معمولی به جای مجمع نجیب‌زادگان هستند.

خازین، استدلال می‌کند که «توده‌گرایی»، آمریکاییان را قادر می‌سازد تا بر علیه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی اعتراض کنند؛ بدون این که کل نظام را زیر سؤال برند. به عبارت دیگر، در اصول اعتقادات ملی، چیزی به نام سدهای طبقاتی در آمریکا وجود ندارد.

به منظور خنثی کردن هرگونه پیشنهادی، مبنی بر این که بهبود اقتصادی امور، مستلزم تغییرات ریشه‌ای است، مجموعه نانسی درو، تغییرات اقتصادی را نوعی خاصی و بی‌تجربگی سیاسی تلقی می‌کند. اصلاحات نیز به سادگی، ناشی از علاقه و کشش طبیعی قهرمان نوجوان به راز و رمز است:

«نانسی درو استعدادی طبیعی برای دست یافتن به داستان‌های جالب داشت، و حالا به نظر می‌رسید که حس ششم به او می‌گوید به چیزی غیرعادی برخورد کرده است.» (۳۲)

داستان «راز ساعت قدیمی» با انتقاد کارآگاه از فرضیه سرمایه‌داری و متقاعد شدن او که نابرابری‌های اقتصادی، نیازمند بررسی و تحقیق و اصلاح است، موجب می‌شود که مجموعه داستان به طرز تحریک‌کننده‌ای آغاز شود. به هر حال، اسرار گوتیک (gothic) داستان «پلکان مخفی» که نمونه بارزتری از این مجموعه است، بازگشت نانسی را به «پلیس مخفی» ناشی از نیازهای مادی او نشان می‌دهد:

«او بی‌هیچ دلیل واضحی، احساس بی‌قراری و ناراحتی می‌کرد.» (۱)

نانسی این معمای روانی را با آرامش همیشگی خود حل می‌کند: «او به خود گفت: می‌دانم چه‌ام شده. برای یک ماجرای دیگه سرم درد می‌کند.»

اشتیاق به تغییرات اقتصادی که محرک پلیس بازی نانسی است، در جلد دوم رمان، چیزی بیش از هیجانانگیزی نیست که برای برطرف کردن کنجکاوی دوران نوجوانی و جوانی، طبیعی به نظر می‌آید.

او در این مجموعه، مضمون اولیه خود را تقویت می‌کند؛ چیزی که مضمون آثار دیگری هم هست که کارآگاه‌های نوجوان را عرضه می‌کنند، از تام سایر و «پلیس مخفی گشت برای دختران» گرفته تا آثار قرن بیستم

## کتاب پیشاهنگی برای دختران آمریکایی، رابطه بین کشف و شناسایی طبقه اجتماعی را به گونه‌ای کاملاً متفاوت از کتاب پیشاهنگی برای پسران انگلیسی مطرح می‌کند

همگونی و تشابه هویت طبقه متوسط اجتماعی و انکار آگاهی طبقه کارگر، ظاهراً برای فرهنگ آمریکایی چنان طبیعی و عادی است که حتی یک کودک نیز می‌تواند متوجه آن شود.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. این توضیح لازم به نظر می‌رسد که نویسنده با معنای کلمات کلیدی متن بازی کرده؛ یعنی دقیقاً همان‌گونه که نویسندگان مورد بررسی در این مقاله، در داستان‌های خود چنین کرده‌اند... پیشاهنگی (Scouting) به معنای پلیس مخفی و پلیس گشت نیز هست. هم‌چنین interest و invest در دو معنا به کار رفته‌اند: معنای اول interest = کشش، علاقه، یا معنای اول invest = صرف کردن، وقت گذاشتن و معنای دوم interest = سود و بهره با معنای دوم invest = سرمایه‌گذاری کردن، مورد نظر است. از این نظر، در ترجمه متن، جاهایی که هر دو معنی، مورد نظر نویسنده مقاله بوده، هر دو معنا به کار رفته است.